

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۴۸
جمعه ۳۰ بهمن ۱۳۹۴، ۱۹ فوریه ۲۰۱۶

چرا انحلال ارتش ممکن و ضروری است؟

حمید تقوایی

صفحه ۲

آیا در حکومت مطلوب شما فقط کارگران حکومت میکنند؟ تکلیف بقیه مردم چه میشود؟

شهلا دانشفر

صفحه ۲

یادداشت‌های هفته

مدیر تقوایی

* سازش با اسلام سیاسی دشمنی با زنان است!

* خامنه ای علیه کدام دشمن هشدار میدهد!

* "زنان و معرکه انتخابات!"

صفحه ۵

ایران میرود به مرکز به گور سپرده شدن هیولای اسلامی توسط زنان قهرمان تبدیل شود

گفتگو با مینا احدی به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

صفحه ۳

نظر شما در باره "پیامبران" و "کتابهای آسمانی" چیست؟

محسن ابراهیمی

صفحه ۶

مردم، کانال جدید و جمهوری اسلامی

گفتگو با کیوان جاوید

صفحه ۷

قلعه حکومت اسلامی، خندق نهضت آزادی

فلسفه و نقش نهضت آزادی در تحولات سیاسی جامعه

علی جوادی

صفحه ۴

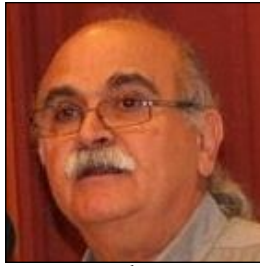
کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۸

چرا انحلال ارتش ممکن و ضروری است؟

گفتگو با حمید تقوایی



دنیائی بری از جنگ و کشتار و لذا نیاز به ارتش و نیروهای مسلح هستیم اما تا زمانیکه دولتهای بورژوائی در جهان وجود دارند امکان تعرض و حمله آنها به نظامی که حزب ما خواهان آنست یعنی جمهوری سوسیالیستی نیز وجود دارد. تنها راه مقابله با این خطر نه ارتش و یا هر نیروی نظامی حرفه ای و مافوق مردم دیگری، بلکه تسلیح توده مردم است.

در جمهوری سوسیالیستی میلیس توده ای یعنی شوراهای مسلح مردم جانشین نیروهای مسلح حرفه ای و مافوق مردم خواهد شد. تنها چنین نیروئی، یعنی توده های میلیونی مسلح

و همچنین تاریخچه کودتاها و حکومتهای نظامی در کشورهای مختلف جهان نشان میدهد که "حفظ امنیت جامعه" تنها پوشش و بهانه ای برای بکار گرفتن ارتش در دفاع از منافع طبقه حاکمه است. ارتش و کل نیروهای مسلح حرفه ای نظیر سپاه و بسیج در جمهوری اسلامی نه تنها عامل تامین امنیت مردم نیستند بلکه بر عکس مهمترین عامل به خطر افتادن نه تنها امنیت بلکه جان و هستی توده مردم بشمار میروند.

به این دلایل است که حزب کمونیست کارگری خواهان انحلال ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه ای است. ما خواهان

پرسش- یک بند برنامه حزب کمونیست کارگری انحلال ارتش است. اگر ارتش نباشد امنیت جامعه، از جمله در مقابل حمله نظامی دول دیگر، چگونه تامین میشود؟

پاسخ- ارتش در همه کشورها در خدمت طبقه حاکم قرار دارد و کاربرد و ارزش استفاده آن هم عبارتست از حفظ سلطه طبقه حاکمه بر جامعه و دفاع از بازار داخلی و منافع اقتصادی طبقه سرمایه دار هر کشور در برابر دولتهای دیگر. علت و انگیزه جنگها از دو جنگ جهانی اول و دوم تا هجومهای نظامی منطقه ای نظیر حمله به عراق و افغانستان

و حرفه ای بودن نیروهای نظامی را الزامی میکند. به نظر من عکس قضیه صادق است. آموزش فنون نظامی قدیمی، اسب سواری و شمشیر زنی و تیر و کمان نظایر آن وقت و انرژی بسیار بیشتری از آموزش کار با تفنگ و تانک و مسلسل و جت های جنگی و غیره می طلبد. پیچیده ترین فنون نظامی امروز را میتوان در دوره های چند ماهه یا حداکثر یکی دو ساله و به شکل نیمه وقت و چند ساعت در روز آموزش داد. پیشرفت تکنولوژی آموزش نظامی را تسهیل و در نتیجه به امری غیر حرفه ای و همگانی تبدیل کرده است. نیروی دفاعی متشکل از مردم عادی مسلح و متشکل در شوراهای نه فقط تنها شکل مطلوب دفاع از امنیت و منافع توده مردم است بلکه به یمن تکنولوژی امروز کاملاً عملی و امکان پذیر نیز هست.

مردم در امور سیاسی و اداره جامعه است. برنامه یک دنیای بهتر که برنامه حزب کمونیست کارگری است در واقع سرخط های جهت گیری سیاسی و قوانین چنین حکومتی را بیان میکند.

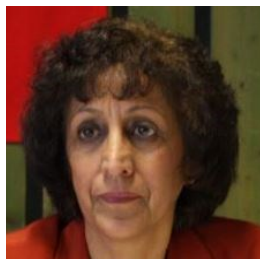
ساختار حکومت مطلوب ما بر دموکراسی مستقیم مردمی یا شورایی بنا شده است. از نظر ما جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در تصویب و اجرای قوانین و اداره امور سیاسی جامعه تضمین کند، نمیتواند بردموکراسی نیابتی و سیستم اداره پارلمانی و بوروکراتیک استوار باشد. در جامعه مورد نظر ما اعمال حاکمیت در تمامی سطوح جامعه باید توسط شوراهای اعمال اراده مستقیم خود مردم انجام گیرد. شوراهایی که هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند و عالیترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. به این اعتبار شورا متکی بر عمل مستقیم مردم یکی از مبانی اساسی کمونیسم کارگری است.

در شوراهای، میتواند مانع هجوم و تعرض نظامی دولتهای بورژوائی به جمهوری سوسیالیستی باشد و در صورت چنین هجومی از امنیت جامعه و نظام شورائی مردم دفاع کند. همه تجربه تاریخ معاصر جهان نشان میدهد که آنچه میتواند ماشین نظامی قهرتمندی نظیر ارتش آمریکا را زمینگیر کند قدرت توده مردم مسلح است و نه ارتشهای حرفه ای مافوق مردم.

میلیس توده ای بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همه مردم - با هر شغل و حرفه و موقعیت اجتماعی- در انجام وظایف نظامی و انتظامی مبتنی است. بعبارت دیگر نظامیگری در جمهوری سوسیالیستی شغل و حرفه کسی نیست و میلیس توده ای از مردم عادی که کار و شغل دیگری دارند تشکیل میشود. ممکن است گفته شود که پیشرفت تکنولوژی نظامی و تسلیحاتی درجه ای از تمام وقت

کارمزدی نباشد، در آن دره ای عمیق بین فقر و ثروت نباشد، و جامعه ای آزاد، برابر و انسانی باشد. اینها همه خصوصیات حکومت کارگری که حکومت مد نظر ما است، را بیان میکند. و این حکومتی است که اساس آن انسانیت است. و شکل مشخص آنرا ما جمهوری سوسیالیستی تعریف کرده ایم.

اما ممکن است سوال بعدی این باشد که تشکیل دهندگان و ترکیب چنین حکومتی چگونه تعیین میشود. برنامه یک دنیای بهتر پاسخ به این سوال را نیز به روشنی داده است. مهمترین خصیصه حکومت کارگری، خصلت شورایی آن است و این شوراهای مردم هستند که همه شهروندان جامعه را در بر میگیرند. به این معنی که حکومت کارگری مبتنی بر شوراهای محلی، منطقه ای و شهری است. بنا براین حکومت کارگری به معنی واقعی کلمه حکومت نه فقط کارگران بلکه حکومت کل مردم و شهروندان جامعه است. چنین حکومتی است که تضمین کننده دخالت هر روزه



آیا در حکومت مطلوب شما فقط کارگران

حکومت میکنند؟

تکلیف بقیه مردم چه میشود؟

شela دانشفر

جایگزینی تولید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بجای نظام استثمارگر سرمایه داری در کلیه وجوهش را در برابر تمامی مخالفان آن به پیش می برد. حکومت کارگری حکومتی است برای تضمین رهایی قطعی از شر توحش سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم که براساس منافع انسانی سازمان داده میشود.

به عبارت روشنتر منظور از حکومت کارگری، حاکم بودن افق و آلترناتیو کارگری بر جامعه است و طبقه کارگر پرچمدار و نیروی اصلی انقلاب اجتماعی برای رسیدن به چنین جامعه و چنین حکومتی است. طبقه کارگر پرچمدار است چون بقول مارکس چاره ای جز رها کردن خود و کل جامعه از کار مزدی که ریشه و اساس کل مصائب سرمایه داری است،

شela دانشفر: حکومت مطلوب ما حکومت کارگری است. حکومت کارگری از نظر ما بیان دیگری برای سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی است. حکومت مورد نظر ما، حکومت فقط کارگرا نیست بلکه حکومت همه مردم است و همه مردم در امور سیاسی و اداری جامعه شرکت میکنند و از حقوق مساوی برخوردارند به همین دلیل ما حتی از حکومت انسانی هم برای بیان حکومت کارگری مان استفاده میکنیم. واژه کارگری صفت چنین حکومتی است و به هیچوجه بیانگر ترکیب حکومت و افراد تشکیل دهنده آن نیست. به این معنی که حکومت کارگری، حکومتی است که جدال اساسی طبقه کارگر برای لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و

ای که در آن استثمار و

ایران میرود به مرکز به گور سپرده شدن هیولای اسلامی توسط زنان قهرمان تبدیل شود

گفتگو با مینا احدی به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن



انترناسیونال: روز جهانی زن، ۸ مارس، نزدیک است. بطور کلی چه تبیینی از موقعیت زن در جامعه ایران و در مبارزه برای آزادی و برابری دارید؟ شکست ها و پیروزی ها برای آزادی و رهایی زن را در سالهای اخیر چگونه ارزیابی میکنید؟

مینا احدی: ایران از سی و پنج سال قبل، مرکز یکی از تحولات و یا عقبگردهای مهم در موقعیت زنان بود. در ایران بود که نطفه جنبش زن ستیز اسلامی در دوره جدید بسته شد و در ایران بود که حمله به زنان در دوره پا گرفتن جنبش اسلامی آغاز شد. این جنبشی بود که از نظر فکری و سنتها و قوانینی که از آن دفاع میکرد متعلق به قرون وسطی بود و با زنجیر و شلاق و زندان و سنگسار میخواست زن متولد اواخر قرن بیست را به بند بکشد. این جنبشی بود که با حمله به زنان شروع میکرد و سپس همه جامعه را به بند میکشید و ایران از بد روزگار تبدیل شد به مرکز این تعرض و مرکز چالش با ضد انقلاب اسلامی. زنان ایران مفتخر هستند که بعد از سی و چند سال نبرد جانانه با این هیولا اعلام کنند که اینها را شکست داده اند.

هنوز متأسفانه حکومت دست اسلامی ها در ایران است اما از آن همه تعرض و آن همه برنامه در تحمیل چادر بر سر زنان و ساکت کردن و محو کردن زنان از عرصه فعالیتهای اجتماعی اکنون دیگر پوسته

ای بیشتر باقی نمانده. زنان ایران حکومت را با مبارزه روزمره و در ابعاد میلیونی در عرصه تحمیل حجاب، کار و فعالیت اجتماعی، روابط جنسی و خصوصی، هنر و اعتماد بنفس اجتماعی کاملاً عقب رانده اند. ایران مرکز ظهور هیولای اسلامی در دوره جدید بود و اکنون میرود به مرکز به گور سپرده شدن این هیولا توسط زنان قهرمانی شود که به همه سنتها و قوانین و نرم هایی که این حکومت از آن دفاع میکرد، پشت کرده و در اعماق جامعه از یک فرهنگ و مناسبات آلترناتیو پاسداری میکنند.

انترناسیونال: مبارزه علیه اسلام سیاسی و کل صنعت کثیف اسلام دیگر محدود به ایران و یا جوامع اسلام زده نیست بلکه یک رکن مهم و حیاتی مبارزه علیه زن ستیزی در سطح جهان است. چه باید کرد؟ مولفه های اصلی پیشبرد این مبارزه در سطح جهان کدام اند؟

مینا احدی: جنبش زنان در سطح بین المللی بدلیل تسلط فمینیسم در دوره پست مدرنیسم و بدلیل تسلط چپ سنتی و احزاب متعدد در قدرت و یا در اپوزیسیون که با مذهب رابطه حسنه ای دارند، هیچگاه نتوانست بفهمد که ما در چه دوره ای زندگی میکنیم و نقش تعرض وحشتناک به زنان در کشورهای اسلام زده را بسنجد و ببیند و در مقابل آن کار بکند. من در کنفرانس ۱۹۹۵ در پکن با حضور ۳۵ هزار زن رفته بودم تا این کنفرانس را بسوی محکوم کردن سنگسار در کشورهای اسلام زده و ایران سوق دهم. آن دوره فمینیست هایی که در آنجا دیدم به من میگفتند زنان از کشورهای اسلام زده با حجاب و برقع آمده و رنگارنگی فرهنگها را نمایندگی میکنند. من با ناامیدی از آن کنفرانس آمدم و سالهای سال در دهها کنفرانس و کنگره جهانی رفته و کماکان توانستم به نهادهای متعددی که از سازمان ملل و ... پول گرفته و در مورد حق زن

سخنرانی میکردند، بقبولانم که حجاب و سنگسار رنگارنگی فرهنگها نیست بلکه تحمیل بی حقوقی به زنان است. در سالهای اخیر با رشد جنبش اسلامی و به بردگی کشیدن زنان و فروش آنها در عراق و سوریه و با آمدن این جنبش به قلب اروپا و تحمیل حجاب به کودکان در پاریس و لندن و برلین، این مشکلات جلوی چشم همه ما است و کماکان جنبش مسلط زنان و الیتی که بلندگو و امکانات در دست اوست، لام تا کام در مورد این عقبگرد کامل نمیگوید و کماکان گوشها کر است و اینها مشغول کارهای دیگر هستند. از نظر من امروز دفاع از حقوق زنان در گرو حمله به جنبشی است که زن را رسماً برده تعریف میکند و او را در قرن بیست و یک در بازار میفروشد. فمینیستی که پشت به این واقعیت دردناک کند، اسمش از تاریخ مبارزه در دفاع از حق زن خط میخورد.

مولفه های پیشرفت این مبارزه در وهله اول دیدن واقعیات و مقابله با یک جنبش و نقد یک مذهب و از نظر من در نقد همه مذاهب است.

انترناسیونال: چه پیامی برای ۸ مارس به جامعه دارید؟

مینا احدی: هشت مارس روز جهانی زن روز دفاع از حقوق و حرمت زنان است. در دنیا زنان قربانیان فقر و نابرابری و زن ستیزی اسلامی هستند و در ایران جنبش آزادیخواهانه و

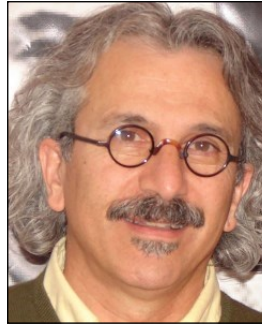
مدرن زنان گلوی یک حکومت زن ستیز اسلامی را گرفته است. حکومتی که قبل از سرنگون شدن به یک موجود عملاً مرده تبدیل شده و از زنان شکست کامل خورده است. این فقط پس راندن جمهوری اسلامی نیست این پاسخ زنان مدرن و جنبش نوین زنان به قرون وسطی است. هر زنی که در ایران حجاب برمیگیرد و حجاب را رعایت نمیکند یک ضربه به جنبشی میزند که در دنیا میلیونها زن را به گروگان گرفته است. حجاب اسلامی در قرن بیست و یک، زنجیر به بردگی کشاندن زنان است و کماکان باید در ایران در هشت مارس امسال به عنوان یک موضوع مهم چالش دیده شود. پرتاب کردن حجابها و زیر پا گذاشتن حجاب، یعنی سوت پایان جنبش اسلامی، چنین باد که امسال در هر جایی که بتوانیم حجابها را پرتاب کرده و اعلام کنیم نه به جنبش اسلامی در همه جا، من از طریق این تریبون به همه زنان شجاع و آزاده در ایران درود میفرستم و دست همه آنها را به گرمی میفشارم. ما در تاریخ مبارزه برای حقوق زنان در مرکز تحولات قرار گرفتیم و این نقش را بخوبی ایفا کردیم ما پوزه یک جنبش ضد زن اسلامی را در محل تولدش به خاک مالیدیم و در تاریخ مبارزه از حق زن نام خود را در بخش درست تاریخ حک کردیم.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

قلعه حکومت اسلامی، خندق نهضت آزادی

فلسفه و نقش نهضت آزادی در تحولات سیاسی جامعه

علی جوادی



جریانان نان به نرخ روز خوردند. هستند و نیستند. هستند اگر احساس کنند که جامعه برای تعیین تکلیف قطعی با حاکمیت طبقاتی و سرکوبگر و مذهبی به میدان آمده است. هستند، چرا که "بالاخره نیرویی"، صد البته ضد انقلابی، باید نقش ترمز و ایستگاه توقف را در مقابل خیزش توده های مردم بازی کند. و نیستند، زمانی که ارزش مصرفشان به پایان رسیده باشد و حاکمیت تره ای برایشان خرد نکند.

اما پابندی نهضت آزادی به قانون اساسی حکومت اسلامی تنها یک جنبه از سیاست مشمژ کننده این جریان است. مساله بزرگتری مشغله شان است. امیر خرم در ادامه میگوید: "مقام های وزارت اطلاعات به دوستان نهضتی گفتند که "به نفع شما نیست که از خواست ما سرپیچی کنید". مجموعاً دوستان ما هم با توجه به برآیند و بررسی تمام شرایط موجود، دیدند که در شرایط فعلی به صلاح نیست ما بخواهیم با این نیروها به طور مستقیم سر شاخ بشویم و در آن صورت چیزی عایدمان نخواهد داشتند که در شرایط فعلی این امر نه تنها کمکی به تسمیت امنیت ملی کشور نمیکند و در جهت مصالح کشور نیست، بلکه اوضاع را بیش از پیش به مخاطره می اندازد و وضعیت را بی ثبات تر از پیش میکنند و ما نباید به این قضایا و شرایط ناپایدار دامن بزنیم."

"چیزی عایدمان نخواهد شد." این جماعت اسلامی مکیلا پس از تهدیدهای "مقام های وزارت اطلاعات" جلسه گرفتند و به این نتیجه رسیدند که اگر خدای نکرده اعتراضی بکنند، مقاومتی بکنند، و یا حرفی در مخالفت بزنند، چیزی عایدشان نخواهد شد. حتی نقش منتقد

آزادی بیان و آزادی تشکل و تحرز مانند تمامی نیروهای سیاسی جامعه بی قید و شرط برخوردار باشد. آزادی بیان و تشکز حد و مرزی ندارد. بی قید و شرط و همه جانبه است. ما از حق آزادی بیان تمامی احزاب دفاع میکنیم. یک شرط اصلی تحقق این اصل سرنگونی همه جانبه و انقلابی حکومت اسلامی و جارو کردن بساط زندان و شکنجه و دستگاه امنیت و سرکوب در جامعه است.

اما این تمام مساله نیست. نقد سیاست و اهداف سیاسی هر جریانی مستقل از حق آزادی بیان، تشکل و تشکز این جریانان است. نهضت آزادی فعالیتش را تا اطلاع ثانوی متوقف کرده است. اینکه جریانی با یک اخم و تشر وزارت اطلاعات دسته جمعی تصمیم به توقف فعالیت حزبی میگیرند، به خودی خود گویایی "عزم راسخ" و گویایی "تلاش همه جانبه" این جریان است. جلسه گرفته اند، دسته جمعی تصمیم گرفته اند که تا "انشالله" شاهد روزی باشند که بتوانند مجدداً فعالیت کنند. اما نباید اشتباه کرد. آرزویشان این نیست که روزی همه نیروهای سیاسی بتوانند فعالیت آزادانه داشته باشند. نه! چنین تصوراتی در مخیله این جریانان هم نمی گنجد. تمام آرزویشان این است که گروه هایی که میخواهند در "چهارچوب قانون اساسی" فعالیت کنند، این کل اهداف "آزادخواهی" این جریان است. نیرویی را سرکوب کرده اند، دبیر کل شان زندانی است، هنوز هم به قانون اساسی حکومت اسلامی متلزم است و سوگند یاد میکند. شرم و وقاحت کلمات گویایی برای بیان این سیاست نهضت آزادی است. واقعیت این است که این

اخیر "راديو فردا" گفتگویی با امیر خرم از اعضای رهبری "نهضت آزادی" در رابطه با "دلایل توقف فعالیت نهضت آزادی ایران" انجام داده است که به لحاظ بسیاری گویا و بیان حقایق پایه ایی در ارتباط با فلسفه و نقش این جریان و نیروهای مشابه در تحولات سیاسی است. حقایقی غیر قابل انکار و شاید جاودان!

امیر خرم در پاسخ "راديو فردا" می گوید: "مقام های وزارت اطلاعات در پی احضار پنج تن از اعضای نهضت، خواستار توقف فعالیت ما شدند و گفتند در صورت عدم توقف فعالیت نهضت آزادی ایران، با آن برخورد خواهند کرد. ... در نهایت، با توجه به مجموعه فشارهایی که در حال حاضر بر روی نهضت آزادی وارد می شود و با توجه به اینکه هم اکنون هم دبیر کل نهضت آزادی با وجود کهولت سن و بیماری، در زندان بسر میبرد و فشارهایی به اعضا نهضت وارد میشود و اینکه فضای موجود، متأسفانه فضای مناسبی برای فعالیت گروهایی مانند نهضت آزادی نیست، بنا به این دلایل شورای مرکزی نهضت تشخیص داد که در حال حاضر از ادامه کار حزبی خود داری کند. ... تا انشاءالله شاهد روزی باشیم که شرایط مناسبی بر کشور حکمفرما باشد و امکان فعالیت برای گروه هایی که بنا بر اعتقاد ایشان می خواهند در چهارچوب قانون اساسی فعالیت کنند و دیگران را هم به ملنیت و حرکت در چهارچوب قانون اساسی دعوت کنند، فراهم باشد."

پیش از هر نقد و بررسی جدی باید یکبار دیگر دستگاه سرکوب و اختناق حکومت اسلامی را محکوم کرد. نهضت آزادی مستقل از هر نقد و ارزیابی باید از حق قانونی

قانونی مانند نهضت آزادی و سایر احزاب قانونی، مانند خندقی هستند که دور تا دور این قلعه کنده شده است. رسالت و وظیفه ما به عنوان یک گروه اپوزیسیون این است که هر کسی که از رفتار حاکمان قلعه ناراضی بود و خواست از قلعه بیرون برود طبیعتاً می افتد در دورن نیروهای اپوزیسیون و ما وظیفه داریم نگذاریم آنها به سمت نیروهای مقابل بروند که نیروهای برانداز هستند و آماده جذب این نیروها هستند تا علیه قلعه فعالیت کنند. من آن روز به آن مامور امنیتی گفتم که سعی نکنید این خندق را پر کنید. چون وقتی شما این کار را بکنید، آنهایی که از درون قلعه فرار میکنند بر اساس جاده ای که شما برایشان ترسیم کرده اید، مستقیماً به نیروهای برانداز می روند. الان هم همین پیام روشن و شفاف را می شود به آقایان داد. در شرایط بعدی و در فردای امروز که این نیروهای پایبند قانون حضور نداشته باشند، کسانی سردمدار اعتراضات مردمی خواهند شد که ممکن است اساساً اعتقادی به نظام نداشته باشند. آن وقت است که نه از تاج، نشان خواهد بود و نه از تاجنشان. ما نگران این هستیم."

تکان دهنده و مشمژ کننده و کثیف است. اما حقیقت انکار ناپذیری است. بیانگر تمام نقش کرب و ارتجاعی جریانان این چنینی است. اینها از قرار سربازان با نام و نشان و بی جیره و مواجب امام زمانشان و حکومت اسلامی شان هستند. اما این نقش و جایگاه منحصر به فرد نهضت آزادی نیست. فلسفه وجودی مشترک کلیه جریانان ملی - اسلامی مستقل از دوری و نزدیکی شان به نهضت آزادی است. ما این جریانان را از سر راه اعتراضات مردم به کناری خواهیم زد!

درباری هم زیادی شان است. به همین حقارت به همین زبونی. و این جوهر پیام سیف شان برای مردمی است که خواهان تغییرند، خواهان بهودند، خواهان سرنگونی رژیم اسلامی اند. و نه تنها چیزی عایدشان نخواهد شد بلکه به این نتیجه هم رسیده اند که بمنظور تثبیت امنیت ملی کشور "بهتر است خفقان بگیرند و فعالیت خود را متوقف کنند. چرا که هر درجه "سرپیچی" از "رهنمودهای" دوستانه مقام های وزارت آدمکشان اسلامی: "وضعیت را بی ثبات تر از پیش میکند." و اگر کسی برای لحظه ای به این ظرافت بیفتد که چه رابطه ای میان مقابله با تهدیدهای وزارت اطلاعات و "امنیت کشور" و "بی ثباتی" بکند، بی درنگ به این نتیجه خواهد رسید که نگران موقعیت شکننده رژیم اسلامی اند. میدانند که جامعه ای در کمین حکومت نشسته است. مردم با توقعات بالاتر و روحیه تهاجمی تری در مقابل رژیم اسلامی صف بندی کرده اند. نگران اند که هر درجه "سرپیچی" مردم جری را جری تر کند. نگران "امنیت کشور" هستند. نگران "ثبات" رژیم اسلامی اند. میدانند که با رفتن رژیم اسلامی پرونده این جریانان هم مختومه خواهد شد.

و در ادامه به مساله فلسفه وجودی و نقش و جایگاه جریانی مانند نهضت آزادی در جامعه میرسیم. راديو فردا می پرسد: فکر میکنید این نوع برخوردها با تشکل های سیاسی که به دنبال راه حل های مسالمت آمیز برای تغییر و تحول در جامعه ایران هستند، چه نتیجه ای در بر خواهد داشت؟ امیر خرم پاسخ میدهد: "خود بنده در سال ۱۳۶۸، یک دوره زندان را تجربه کردم. وقتی از زندان بیرون آمدم، یکی از همین آقایان اطلاعاتی پیش من آمد و به من گفت که سعی کنم دیگر فعالیت سیاسی نکنم. من در آن زمان برای ایشان مثالی زدم که متأسفانه آن مثال هنوز هم مصداق دارد. به او گفتم که جمهوری اسلامی مانند یک قلعه است که جمعی در آن زندگی میکنند و جمعی هم بر این قلعه حاکمند. گروه های

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

سازش با اسلام سیاسی دشمنی با زنان است!

به ۸ مارس روز جهانی زن نزدیک میشویم. روز جهانی زن روز جلب توجه افکار عمومی جهانیان و بسیج نیرو برای مقابله با موانعی است که بر سر راه آزادی زن وجود دارد. در جمهوری اسلامی و سایر کشورهای اسلامزده زنان و توده مردم مانع اصلی بر سر راهی زن را میشناسند و مدتهاست علیه آن مبارزه میکنند. حاکمیت اسلام و قوانین و مقدسات و اخلاقیات ضد زن اسلامی. اما در کشورهای غربی تخصص اسلام سیاسی علیه زنان باندازه کافی شناخته شده نیست. دولتها و حتی نیروهای سیاسی که خود را چپ و لیبرال میدانند تنها تناقضی بین قوانین اسلامی و احکام شریعه با پایه ای ترین حقوق زنان نمی بینند بلکه تحت عنوان مقابله با اسلاموفوبیا و احترام به مذهب و فرهنگ دیگران در را چهار تاق برای تعرض نیروهای اسلامی به حقوق زنان حتی در کشورهای غربی باز گذاشته اند. باید با این سیاست و گرایش با تمام قوا مقابله کرد. بخصوص احزاب و نیروهای چپ و آزادیخواه نظیر حزب کمونیست کارگری که آمال و آرزوهای زنان و کل توده مردم بجان آمده از حاکمیت اسلامی در ایران

خامنه ای علیه کدام دشمن هشدار میدهد!

"دشمن می خواهد در انتخابات اعمال نفوذ کند".
(خامنه ای)

"نفوذ دشمن" تکیه کلام خامنه ای در چند ماه اخیر بوده است. این رسم همه دیکتاتورها است که برای حفظ سلطه خود یک دشمن خارجی بتراشند و هر مبارزه و اعتراضی را توطئه دشمن بدانند. در جمهوری اسلامی روآوری جوانان به زندگی شاد و مدرن، در هم شکستن قیود و قوانین مقدسات پوسیده اسلامی علیه زنان و علیه مدرنیسم و مدنیت، گسترش جوکهای ضد اسلامی در میدیای اجتماعی، موزیک و رقص و شادی، و حتی گل و شکلات و عشق و مهرورزی در روز والناتین همه نمودهای "نفوذ دشمن" و توطئه های دشمن است. علم کردن آمریکا و شیطان بزرگ بعنوان دشمن قرارست ماهیت فوق ارتجاعی حکومت و ناظم موجود را در لفافه ضدیت با استکبار پیچید و به خورد مردم بدهد. آنچه نفوذ آمریکا خوانده میشود در واقع چیزی نیست بجز روی آوری توده مردم به تمدن و انسانیت و مدرنیسم و شادی و رهائی از اسارت مذهب!

زنان و معرکه انتخابات!

بدهد بیش از هر چیز نماینده و افشا کننده ماهیت ارتجاعی این مضحکه است. در میان این فتواها نمونه زیر بسیار گویا است:

"س" با توجه به این که زن جهت شرکت در انتخابات میبایست از منزل خارج شود آیا واجب است از شوهر اجازه بگیرد ؟ و اگر شوهر به همسرش اجازه شرکت در انتخابات را ندهد یا رضایت نداشته باشد تکلیف زن چیست؟

ج) شرکت در انتخابات منوط به اذن شوهر نیست."

میخواهند زنان را به رای دادن تشویق کنند اما تنها ماهیت زن ستیز حکومتشان را برملا میکنند! در نظامی که زن برای خارج شدن از منزل، برای مسافرت، برای شرکت در هر گروه و مجمع و فعالیت فرهنگی و ورزشی اجتماعی، و حتی برای ازدواج و طلاق و ده ها مورد دیگر حقوق مدنی و خانوادگی نیازمند اجازه شوهر است رهبر لطف کرده و رای دادن زنان را به اجازه شوهر منوط نکرده است! اعلام میکنند زنان برای مهر تایید زدن به اسارت خود نیازی به اجازه شوهر ندارند! این یعنی تاکید دیگری بر ضرورت اجازه شوهر در بقیه موارد!

جنبش رهائی زن در ایران مدتهاست از خاکریز "اذن شوهر" و کلاقیمومیت مرد عبور کرده است. جنبش رهائی زن پیگیر تر از هر اعتراض دیگری نماینده و بیانگر بی اعتباری و بی پایبندی حکومت زن ستیز اسلامی و بازیهای انتخاباتی آن است.

هفته گذشته وسایت خامنه ای مجموعه ای از فتواهای او در مورد انتخابات را منتشر کرد. اعلام شرکت در انتخابات بعنوان یک امر واجب و یک "وظیفه شرعی، اسلامی و الهی" و حرام بودن رای سفید و غیره از جمله این فتواها است. میدانند مردم تمایلی به شرکت در معرکه انتخاباتی دار و دسته های حکومتی ندارند میخواهند به زور فتوا و احکام شرعی و حلال و حرام کردن مردم را به پای صندوق بکشانند. اما این تلاش هم دردی از جمهوری اسلامی و انتخاباتی کثافتی اش درمان نخواهد کرد. اگر قرار بود جامعه برای فتوا و احکام شرعی پشیزی قائل باشد اظهار نگرانی ها و هشدارهای مداوم رسانه ها و امام جمعه ها و مقامات حکومتی و در راس همه آنها خود خامنه ای در مورد "هجمه فرهنگی غرب" و "نفوذ دشمن" و کساد بازار مساجد و نماز و روزه و گسترش بد حجابی و بی حجابی و رویگردانی جوانان از اسلام و غیره و غیره ضرورت و موضوعیتی نمیداشت.

این حکومت و انتخاباتش مدتهاست کمترین حقانیت و اعتباری در میان مردم ندارد. مردم میدانند انتخاباتهای جمهوری اسلامی امری صرفا درون جناحی و مربوط به تجدید تقسیم پستها و کرسیها بین دارو دسته های مافیائی حاکم است و حتی آن بخش خیلی از مردم هم که در انتخابات شرکت میکنند انگیزه و هدفشان اساسا تشدید دعوای بین جناحی و تضعیف کل حکومت است. خود همین فتواهای کثافتی که ظاهرا قرارست مشروعیت و اعتباری به بازی درون حکومتی انتخابات

دشمن واقعی جمهوری اسلامی آزادی و مدرنیسم و مباره بی وقفه مردم برای در هم شکستن تحجر و اسارت اسلامی است. اگر امروز در آستانه انتخابات و بر متن تشدید نزاعهای حکومتی در دوره پسا برجام بیش از پیش بر طبل نفوذ دشمن میکوبند به این خاطرست که از اوجگیری خشم و اعتراض مردم علیه کل حکومتشان هراس دارند. در نشست مشترک ارگانهای سرکوبگر حکومتی که هفته گذشته حول موضوع "نفوذ دشمن" برگزار شد جعفری فرمانده سپاه "ماجرها و حوادث سال های ۷۸ و فتنه ۸۸" را یادآوری میکند و بر ضرورت "همدلی و همکاری بین وزارت اطلاعات، سپاه و ناجا و سایر دستگاه ها" تاکید میکند. این بیان صریح منظور خامنه ای و رسانه های تبلیغاتی حکومت از دشمن است. دشمن مردمی هستند که خیزش ۱۸ تیر ۷۸ و انقلاب میلیونی تابستان ۸۸ را آفریند و لرزه مرگ بجان جمهوری اسلامی انداختند. هزار نوع دشمن خارجی تراشی جمهوری اسلامی را از چنگ این دشمن داخلی اش نجات نخواهد داد!

سایت حزب:

www.wpiran.org

سایت روزنه:

www.rowzane.com

سایت کانال جدید:

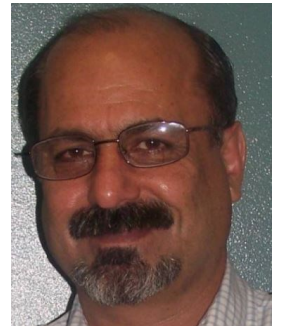
www.newchannel.tv

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

نظر شما در باره "پیامبران" و "کتابهای آسمانی" چیست؟

محسن ابراهیمی



انترناسیونال می پرسد!

محسن ابراهیمی: در این ستون کوتاه فقط میتوان به سرفصلهایی اشاره کرد که به نظر اینها هستند:

تصور مذهبی بر این است که کتب "آسمانی" حاوی سخنان خدا هستند که به پیامبران وحی شده اند و لذا مقدس هستند. پیامبران هم به این اعتبار که حامل سخنان خدا و صاحب این کتب هستند خود مقدس محسوب میشوند!

طبق همین تصورات مذهبی، تورات (عهد قدیم) توسط موسی به بنی اسرائیل ابلاغ شده است؛ انجیلهای چهارگانه (عهد جدید) را روح القدس به نحوی به کاتبینش ابلاغ کرده است؛ و قرآن سخن مستقیم خداست که به محمد وحی شده است! به این ترتیب خدا قاعده مثلث مقدسی است که پیامبر و کتاب دو ضلع دیگرش هستند! این مثلث مقدس در همه ادیان مشترک است.

اما برخلاف تصویری که مذهب شایع میکند، کل این مثلث مقدس مخلوق خود بشر است. برخلاف تبیین مذهبی، انسان مخلوق خدا نیست بلکه خدا مخلوق انسان است که در نتیجه تبلیغ و تهدید خود دستگاه مذهب بر زندگی بشر مسلط شده است؛ پیامبران یا شخصیتهای اسطوره ای هستند که برای پاسخ دادن به نیازهای مقطع معینی خلق شده اند (مثل ابراهیم) یا شاید شخصیتهای واقعی هستند که در مقطع معینی برای پاسخ دادن به نیازهای اجتماعی و سیاسی آن مقطع عروج کرده اند (مثل عیسی و محمد)؛ و بالاخره کتاب "آسمانی" هر دینی مهمترین ابزار پیامبر همان دین است که اغلب توسط کاتبین صاحب نظر آن دین در مقطع عروجشان مدون شده اند.

کتب "آسمانی مقدس" نه آسمانی هستند و نه مقدس. در زمین نوشته شده اند اما به آسمان نسبت داده شده اند. وصل این کتب به نیرویی ماوراء انسان و طبیعت یعنی خدا که ظاهراً در آسمانهاست یک تلاش سازمانیافته توسط پیامبران و دستگاه دین برای تبدیل کردن احکام این کتب به اوامر مقدس، غیرقابل انکار و لازم الاجرا بوده است.

تحقیقات آکادمیک نشان میدهد که تدوین هر سه کتاب ادیان یهودی و مسیحیت و اسلام تاریخ طولانی و پرفراز و نشیبی را از سرگذرانده اند تا به صورت حاضر درآمده اند! در مورد هر سه کتاب تعداد زیادی در طول سالیان زیادی برای نوشتن و انطباق و پاسخگویی به نیازهای سیاسی مقطع معینی نقش داشته اند.

مثلاً در مورد قرآن اغلب تحقیقات دانشگاهی از شخصیتهای زیادی اسم میبرند که یا مستقیماً در نوشتن آن دست داشته اند و یا آثارشان در مدون کردن قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. معمولاً از این اسامی در میانشان اینها مشترک هستند: امروء القیس از شاعران باستانی عربستان، زید بن عمرو که مروج آیین حنفی بود، حسان بن ثابت شاعر رسمی محمد، سلمان فارسی مشاور محمد، بحیرا یک کشیش مسیحی، خدیجه نخستین همسر محمد، ورقه بن نوفل پسر عمه خدیجه، ابی بن کعب منشی محمد، عبدالله بن سلام بن الحارث یک یهودی که اسلام آورده بود و مخبرق خاخام یهودی که اسلام آورده بود. این نویسندگان با دقت تمام از اسطوره ها و افسانه ها و احکام تورات و بعداً انجیل در تدوین قرآن اقتباس کرده اند.

برای مثال افسانه آفرینش

در انجیل و قرآن تماماً از تورات اقتباس شده است. "هبوط انسان" در دستگاه نظری هر سه کتاب جای محوری دارد که اشاره اش به نافرمانی انسان در بهشت در برابر خدا و تنبیه انسان توسط خدا یا فرستادنش به زمین است. اگر چه در مسیحیت و قرآن تغییراتی در افسانه "هبوط" انسان داده شده است اما محورهای مشترکشان دقیقاً به خاطر اهداف عمومی مشترک و مشابه هر سه دین سرچایشان مانده اند. این محورهای مشترک چه ها هستند؟

۱- در تورات خدا به آدم و حوا دستور میدهد از میوه درخت دانش نخورند. اما مار فریشان میدهد و میوه دانش را میخورند و به فرمان خدا به زمین پرتاب میشوند.

۲- بشر بار نخستین گناه آدم و حوا را به دوش می کشد و هیچ انسانی نمیتواند بی گناه باشد.

۳- این حوا است که در این نافرمانی و فریب خوردن نقش محوری دارد.

در پشت این افسانه مذهبی حقایق و اهداف کاملاً زمینی وجود دارند:

۱- تنبیه آدم و حوا به خاطر خوردن میوه دانش یک اعلان جنگ سمبلیک توسط مذهب علیه دانش و تشخیص و انتخاب و نقد انسان است.

۲- بشر به خاطر این گناه نخستین همیشه گناهکار و همیشه بدهکار خداست و پیوسته باید تقلا کند این گناه را از خود بزداید. در کنار این وابستگی و حقارت همیشگی، دستگاه عریض و طویل یهودیت و مسیحیت و اسلام با خاخامها و کشیشها و امامان و امامزاده هایشان قرنهاست بیژن عظیم فروش دعا و توبه و شفاعت راه انداخته اند و مردم را سرکیسه کرده اند.

۳- منشأ اصلی این نافرمانی حوا یعنی زن است. آدم را هم حوا به این گرداب گناه انداخته است. اینجا فرصت پرداختن به این که در مقطع تدوین تورات (عهد قدیم) این انگشت گذاشتن بر زن به مثابه منشاء گناه نخستین بشر چه حکمتی داشته است نیست اما در همه مقاطع تاریخی بعدی طبقات حاکم از تحقیر و تعرض به این "گناهکار نخستین" برای در اسارت نگه داشتن کل جامعه با تمام قوا استفاده کرده اند.

تقدس و تقدس زدایی! خدا، پیامبر و کتاب آسمانی سه وجه مهم مقدسات هر مذهبی است. ساده ترین و سطحی ترین تصور این است که مذهب را از تاریخ و جامعه و سیاست و طبقات انتزاع کنی و تصور کنی که مذهب به خودی خود عاشق مقدسات است. مذهب یک پدیده اجتماعی و حتی باید تأکید کرد که سیاسی است. مقدسات مذهبی هم به این اعتبار یک ارزش در خود مذهبی نیستند. این جایگاه مقدسات در سیاست و جامعه و نظامهای طبقاتی است که تداوم مقدسات را ضروری میکند. مقدسات ابزار ارباب جامعه، ابزار به تسلیم کشاندن و سربریزر نگه داشتن جامعه است.

بی دلیل نیست که امروز سران جنبش اسلامی حاضرند به هر جنایتی دست بزنند تا ابهت و حرمت مقدسات در هم نشکنند. کاریکاتوری از محمد، تمسخر امام تقی، زیر سؤال بردن آیه ای از قرآن میتواند با فتوای مرگ توسط این یا آن آیت الله روبرو شود. یک دلیل اینکه دستگاه مذهب اصرار دارد مسلمین حال به هرزبانی تکلم میکنند قرآن را حتماً به زبان عربی حفظ کنند حفظ ابهت آن

است. خواندن و فهمیدن این کتاب مخصوصاً با توجه به صدها آیه برای تحریک قتل و کشتار و تحقیر انسان و بیحرمتی زن میتواند هاله رازآلودی را کنار بزند که قرار است این کتاب را همیشه در میان بگیرد!

به خاطر نقش محوری تقدس خدا، پیامبر و کتاب در مذاهب است که اتفاقاً یک وجه مهم مبارزه با مذهب تقدس زدایی از این مثلث شوم است.

تقدس زدایی از مقدسات مسیحیت مدت زمانی است که به پایان رسیده است. طنز نقادانه و بیرحمانه روشنگران تقدس زدایی از مسیحیت را آغاز کرد و انقلاب کبیر فرانسه آن را به فرجام رساند و دستگاه آدوسوزی مسیحیت را به گل نشاند و امروز دیگر مثلاً به سرخه گرفتن عیسی خون بپا نمیکند.

در باره مقدسات اسلام، الله و محمد و قرآن این اتفاق در ابعاد در هم شکننده هنوز نیافتاده است. تحرکات جسورانه ای در اقصی نقاط جهان آغاز شده است. مثلاً در میان دهها حرکت شجاعانه علیه مقدسات اسلامی، کارتونهای شارلی هبدو اگر چه به قیمت جان عزیزشان یک نقطه درخشان در تقدس زدایی از محمد هستند. هر چقدر ابعاد نقد و طنز مقدسات اسلامی وسیعتر شود همانقدر ابهت ساختگی این مقدسات فرو میریزد، جرئت نقد و طنز مقدسات عمومی تر میشود و به همان درجه دست پرخواننده های اسلام برای کنترل چنین جنبشی عاجز تر میشود. البته باید گفت که مثل مسیحیت اینجا هم فقط یک انقلاب کبیر دیگری میتواند اسلام را به روزی بیاندازد که مسیحیت به آن دچار شده است!

مردم، کانال جدید و جمهوری اسلامی

گفتگو با کیوان جاوید



انترناسیونال: در هفته های گذشته خبرگزاری فارس در نوشته ای به کانال جدید پرداخته است و خود را مجبور دیده به حرفهای شما در نقد مذهب و خرافه مذهب جواب بدهند. معلوم است به حال زده اید؟ اینها نگرانی شان از چیست؟

کیوان جاوید: تیتتر برنامه «نیاز جمهوری اسلامی به خرافه امام زمان» بود. برنامه ای پر شور که فرصت مناسبی به بینندگان تلویزیون کانال جدید داده بود تا جمهوری اسلامی را به مصاف بکشند. تقریباً غیر از مدافعان اجاره ای جمهوری اسلامی کسی در برنامه مستقیم کانال جدید از مذهب دفاع نمی کند. به دلیل مشاهده و کارکرد هر روزه مذهب در جمهوری اسلامی و به یمن فعالیت روزمره و درخشان کانال جدید دیگر نمی شود مذهب را از جمهوری اسلامی جدا کرد. مردم دیده اند هر جا که اسمی از خدا و محمد و علی و حسین به میان می آید، یعنی ثروت افسانه ای برای کاربدهستان همین حکومت و فقر و تباهی

برای مردم. ما این واقعیت صنعت کذایی مذهب را بدون کمترین اغماض و پرده پوشی با مردم در میان می گذاریم و همین باعث محبوبیت صد چندان ما در میان مردم می شود.

جمهوری اسلامی بخیال خود می خواهد با ما روی خط مستقیم مقابله به مثل کند. در این برنامه یکی از «سربازان گمنام امام زمان» روی خط آمد و گفت به اعتقادات ما مردم که مسلمان هستیم توهین نکنید. در همین رابطه به او فرصت دادم تا توهین را معنی کند و من هم جوابش را دادم. در ادامه تقریباً همه بینندگانی که روی خط آمدند که تقریباً ۹۵ درصد آنها طبق معمول از شهرهای مختلف ایران تماس می گیرند جواب دندان شکنی به این «مامور و معذور» دادند. بعضی از جواب ها طوری بود که برای حفظ نزاکت هم نمی توانستیم پخش کنیم. روز بعد هم در خبرگزاری فارس یک مطلب مفصل نوشتند که «تلویزیون کمونیستی کانال جدید و شخص کیوان جاوید» به مقدسات مسلمانان توهین کرده

و یک مسلمان هم جوابش را روی همان کانال داده است. اینکه همزمان این «مسلمان» با خبرگزاری فارس تماس گرفته یا خبرنگار این خبرگزاری هم پای کانال جدید بوده یا هر دو یک نفر هستند را دیگر باید «امام زمان» جواب بدهد. البته نگرانی اینها مشخص است. سازمان دادن و هدایت خشم مردم توسط ما و تبدیل این خشم عمومی به انقلاب علیه این حکومت، نگرانی واقعی کل سران حکومت اسلامی است.

انترناسیونال: این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی به کانال جدید برخورد می کند. سابقه و پیشینه این برخوردها چیست و به کجا بر می گردد؟

کیوان جاوید: درست می گوید. این اولین بار نیست. قبل تر تعدادی از رهبران و اعضا کمیته مرکزی و کادرهای حزب کمونیست کارگری را با اسم و رسم و عکس به مردم معرفی کردند و گفتند این شبکه کمونیستی و این کمونیستها علیه مقدسات اسلامی برنامه دارند. کلی با بد گفتن از تلویزیون کانال جدید

مبنی بر اینکه زنانش «بی حیا» هستند و احترام به مقدسات سرشان نمی شود و ... به نفع ما تبلیغ کردند. بیچاره ها هنوز نمی دانند که مخالفت اینها با ما فقط بر تعداد موافقان و دوستان ما اضافه می کند. خودشان را به نفهمی زده اند یا صاف و ساده قاطعی کرده اند.

انترناسیونال: شما مدیر مسئول کانال جدید هستید و سالیهای زیادی با این تلویزیون کار کرده اید. جایگاه کانال جدید در میان مردم چیست؟ چه تصویری از رابطه مردم با کانال جدید دارید؟

کیوان جاوید: این سخت ترین بخش از این گفتگو است. حقیقتاً ما هم هنوز از ابعاد عظیم تاثیر گذاری و نفوذ کانال جدید به خوبی آگاه نیستیم. ما نمی توانیم آمار بگیریم و دقیقاً بگوییم چند در صد از مردم ایران کانال جدید را می بینند و مثلاً مبلغ آن هستند یا از آن خط می گیرند. اما از دو راه می توانیم تحلیلاً بگوییم نفوذ کانال جدید بسیار بالا است. اول بیندگانی که روی خط آزاد می آیند و صحبت می کنند. بسته به ویژگی برنامه بعضاً پیش می آید بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تماس با اتاق فرمان داریم. از این تعداد بطور متوسط بین ۲۰ تا ۳۰ نفر روی خط می آیند. ما معمولاً از بینندگان می پرسیم از کدام استان زنگ می زنند. از شغل و درآمد و

وضعیت زندگی آنها هم می پرسیم. تقریباً از همه شهرهای ایران تماس می گیرند. بخش وسیعی از این بینندگان به ۹۹ درصدی های جامعه مرتبط اند. طی یک سال گذشته قشر تحصیل کرده بیشتر از گذشته با ما در تماس قرار گرفته اند و در بسیاری از موارد از نظر سیاسی هم جهت با مجریان کانال جدید بحث می کنند. این نشان میدهد هم جامعه دشمن طبقاتی و حکومت اسلامی را خوب شناخته است و هم از کانال جدید خوب تاثیر گرفته است. بعضاً پیش می آید بطور مثال وقتی از مذهب صحبت می کنیم همان کلمات و جملاتی که مثلاً حمید تقوایی در یک بحثی بیان کرده است را به ما می گویند. این جور مثال ها کم نیست.

اما با این وجود با توجه به قدرت تلویزیون کانال جدید و با توجه با وجود حزبی چون حزب کمونیست کارگری ما هنوز به هیچ وجه از نفوذ خود در میان مردم راضی نیستیم. ما می توانیم از کانال جدید قدرتی بسازیم که هم بتواند سازماندهی کند هم قدرت بسیج میلیونی داشته باشد و مردم را به خیابان بکشاند و به این ترتیب راه انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی را هموار تر کند. نقشه عمل هایی هم برای بهبود کیفی و فنی کانال جدید داریم که نمونه هایی از آن را همین چند ماه گذشته ارائه دادیم.

در اعتراض به مضحکه انتخاباتی حکومت اسلامی، جمعه ۲۶ فوریه با ما همراه شوید!

روز جمعه ۲۶ فوریه همزمان با مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی، همراه با سایر مخالفین حکومت جمع میشویم تا علیه حکومت آدمکش اسلامی و علیه بیحقوقی مردم ایران اعتراض کنیم. از کلیه مخالفین حکومت دعوت میکنیم در این تجمعات شرکت کنند.	استکهلم (سوئد)	فرانکفورت (آلمان)	تورتو (کانادا)
جمعه ۲۶ فوریه ساعت ۳ بعد از ظهر مقابل سفارت جمهوری اسلامی به همراه سایر مخالفین جمهوری اسلامی	جمعه ۲۶ فوریه ساعت ۳ بعد از ظهر مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی با شرکت احزاب و سازمانهای چپ	جمعه ۲۶ فوریه ساعت ۴ بعد از ظهر مکان: پلازای ایرانیان (واقع در خیابان یانگ شمالی خیابان فینچ)	تلفن تماس: ۰۱۳۹۶۳۴۲۵۱
تلفن تماس: ۰۱۳۹۶۳۴۲۵۱	تلفن تماس: ۰۱۵۷۳۱۰۸۲۶۶۰	تلفن تماس: ۴۱۶۸۵۸۹۸۳۱	تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران فوریه ۲۰۱۶

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

کارگران و دولت روحانی بعد از برجام

ایجاد مشوقه برای سرمایه گذاری های داخلی و خارجی سیاست اعلام شده دولت بعد از برجام است. یک محور اصلی این سیاست، تاکید بر اقتصاد مقاومتی خامنه ای و تشدید ریاضت اقتصادی بر کارگران و کل جامعه است. ابزار مهم پیشبرد این سیاست نیز وضع قوانین و آیین نامه های جدید برای بازگذاشتن بیشتر دست کارفرمایان و سرمایه داران در استثمار بیشتر کارگران و تشدید سرکوباست.

در برابر این اوضاع جنبش اعتراضی کارگری هر روز گسترده تر و در اشکال نوین و تعرضی تری جریان می یابد. این یک صف آرایی در مقابل رژیم است که برای تامین مشوق های لازم برای سرمایه داران می خواهد چوب حراج به زندگی و معیشت کارگران بزند. در زیر جنبه های مهمی از این صف بندی ها را توضیح میدهم.

قانون "کارورزی" فارغ التحصیلان بدون حداقل تامین ها

یکی از قوانین جدید اجازه به کارفرمایان برای استخدام فارغ التحصیلان با مدرک کارشناسی ارشد است که به مدت سه سال بدون هیچگونه بیمه و تأمینات اجتماعی و سابقه کار صورت میگیرد:

- بند ۵ ماده ۱۵- لایحه برنامه ششم توسعه میگوید: "برای ترغیب کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی و تعاونی به جذب نیروی کار جوان، کارفرمایانی که طی برنامه ششم توسعه نسبت به جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی با مدرک حداقل

کارشناسی به صورت کارورزی اقدام نمایند، از پرداخت سهم کارفرما و بیمه بیکاری برای مدت دو سال از تاریخ شروع به کار معاف می باشند." قبلاً این دوره کارورزی سه ماه بود، اما اکنون بنا به بند پیشنهادی برنامه توسعه ششم زمان آن به سه سال افزایش می یابد. در این دو سال حتی اگر فرد "کارورز" لیسانس، فوق لیسانس و دکترا هم داشته باشد، قراردادی حتی به صورت موقت هم با او به امضا نمی رسد. او حتی نمیتواند مطالبه ای برای میزان دستمزد داشته باشد، چون کارورز است، و کارفرما هر وقت نیز خواست میتواند او را اخراج کند، بدون اینکه مسئولیتی برعهده داشته باشد. این طرح در واقع، طرح بیگاری نیروی میلیونی جوان آماده به کار است. طرحی که حتی کانون عالی شوراهای اسلامی نیز نسبت به عواقب اجتماعی اش هشدار داده اند.

ادامه سیاست قطع سوبسیدها تحت عنوان هدفمند کردن یارانه ها

برنامه توسعه ششم و تاکید بر اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی و از جمله ادامه اجرای "طرح ها" (سیاست ریاضت اقتصادی هدفمند کردن یارانه جمهوری اسلامی) است. بنا بر این تصمیم در برابر چندرغاز یارانه از آغاز سال ۹۵ افزایش دوباره قیمتهای کالاهای حامل انرژی در دستور قرار دارد و نتیجه آن گرانی بیشتر و تعرضی وسیعتر به زندگی و معیشت کارگران و همه مردم خواهد بود. یارانه های هوشمند و هدفمند کردن یارانه ها سیاسی بود که از دوره احمدی نژاد در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت و هدف

اصلی آن این بود که سوبسید کالاهای اساسی را قطع کنند. این سیاست همانگونه که انتظار میرفت با افزایش شدید قیمتها همراه بود و فشار شدیدی را بر دوش کارگران و خانواده های محروم گذاشت. در عین حال حکومت اسلامی نتوانست به اهداف اقتصادی خود از این طرح دست یابد. اکنون علیرغم شکست طرح هدفمند کردن یارانه ها، حکومت در تلاش است آنرا ادامه دهد و مابقی سوبسید ها را نیز قطع کند.

وحشت از اعتراضات کارگری و تعرضات جدید به کارگران

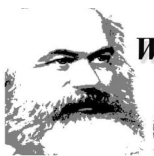
اخیرا شاهد تعرضات جدیدی از سوی حکومت اسلامی در قبال جنبش پر از تحرک کارگری هستیم. علتش نیز هراس از گسترده تر شدن دامنه اعتراضات کارگری و اساساً تحول کیفی این مبارزات است. محاکمه ۹ نفر از کارگران معدن آهن بافق در روز ۲۷ بهمن که مرحله دومش در همین هفته برگزار شد و تصمیم نهایی بازم به یکماه دیگر موکول شد، دستگیری ۲۸ کارگر در جریان اعتراضات اخیر کارگران خاتون آباد که آخرین گروه آن در همین هفته آزاد شدند، دستگیری ده نفر در عسلویه و ۱۲ نفر از کارگران سیمان درود در ماه گذشته که بعد از چند روز آزاد شدند، مانور ضد "آغتشاشات کارگری" در کلاله استان گلستان، بخشنامه دادگستری خوزستان مبنی بر منع اعتصاب در منطقه ویژه پتروشیمی بندر امام، قتل کارگر معترض در جریان اعتراضات جوانان جویای کار در شهرویی و تهدید کارگران صنایع فولاد اهواز اخراجی برای پس گرفتن شکایتنامه هایشان را میتوان

برشمرد. این تعرضات را کارگران با اعتراضات گسترده تر خود پاسخ میدهند. از جمله فشار اعتراضات گسترده و همزمان کارگران در عسلویه، پتروشیمی ها و موسسات وابسته به نفت و وزارت نفت را ناگزیر کرد که طی بخشنامه ای خواستار پرداخت تمامی معوقات مزدی این کارگران تا ۵ اسفند ماه شود. کارگران با اعتراضات گسترده شان، با اعتراضات طولانی مدت و با اولتیمتوم دادن هایشان و بطور مثال با اعلام اینکه اگر جوابان را ندهید با خانواده هایمان به خیابان خواهیم آمد، در مقابل تعرضات حکومت ایستاده اند.

اعتراضات گسترده کارگری در هفته ای که گذشت

هفته گذشته شاهد اعتراضات و مبارزات متعددی از جانب کارگران بودیم. در طول یک هفته بیش از ده مورد اعتصاب و اعتراض و تجمع صورت گرفت. از نمونه های برجسته این اعتراضات راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه در وسط شهر، تاکید کارگران عسلویه بر بخشنامه وزارت نفت و پرداخت همه طلبها قبل از ۵ اسفند و ادامه اعتراضات ۱۵۰۰ کارگر ایران صدرا است. موضوع اصلی اعتراضات کارگران در هفته گذشته خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و علیه بیکارسازیها بود. و گستردگی این اعتراضات تاثیر بسیاری بر فضای شهرها گذاشته است. همچنین با نزدیک شدن به

روزهای آخر سال و موعد اعلام میزان حداقل دستمزدها، جنب و جوش اعتراضی بر سر خواست افزایش دستمزدها نیز بیشتر شده است. کارگران خواستار افزایش دستمزدها به رقمی بالای خط فقر هستند و هفت تشکل کارگری طی بیانیه ای مشترک خواستار افزایش با اعلام خواست حداقل دستمزد سه میلیون و پانصد هزار پرچم این مبارزه را برافراشتند. جمع هایی از کارگران در کارگران پروژه های پارس جنوبی، پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام، و فعالین از کارگران جنوب و کارگران محور تهران- کرج نیز طی بیانیه ای حمایت خود را از این خواست اعلام کرده اند. این جنبشی است که ابعاد اجتماعی دارد و قبلاً معلمان نیز خواست افزایش حقوقها بالاتر از خط فقر را اعلام کرده بودند و یک خواست مهم پرستاران که در این هفته همایشی نیز داشتند همین موضوع است. باید وسیعاً به جنبش افزایش دستمزد بالاتر از خط فقر و خواست حداقل دستمزد سه میلیون و پانصد هزار پیوست. بعلاوه نکات مورد تاکید دیگر در اعتراضات کارگران، شرکت فعالتر خانواده های کارگری، اتکا این مبارزات به مجامع عمومی کارگری به عنوان مکانی برای تشکیلاتی و حفظ اتحاد کارگران و سازمانیابی کارگران در مدیای اجتماعی بعنوان مکانی برای گسترش سراسری تر اعتراضات است.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wcpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: علی جوادی

مسئول فنی: سهند مطلق

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود